

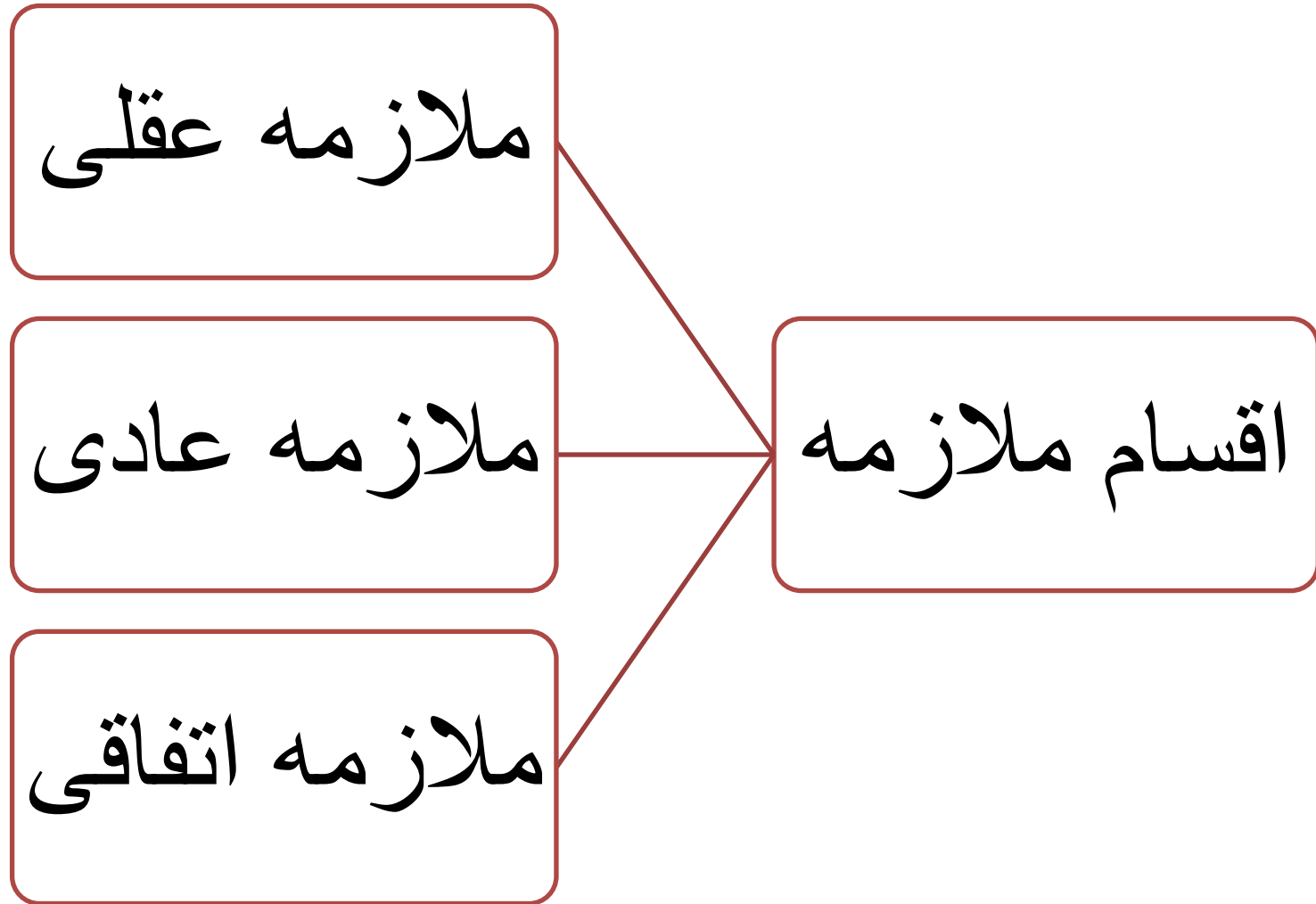
علم أصول الفقه

١٢

١٨-٨-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

• فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (١٥) وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (١٦) كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (١٧) وَ لَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (١٨) وَ تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (١٩) وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا (٢٠)



بين لازم و ملزوم
تلازم عقلي باشد

ملازمه عقلي

انفکاک لازم از
ملزوم در نظر
عقل محال نیست؛
امّا عادتاً و به
مقتضای
طبیعتشان، بینشان
تلازم وجود دارد.

ملازمه عادی

پیری ظاهری
(لازم)

طولانی شدن عمر
(ملزوم)

انفکاک لازم و
ملزوم استحاله
عقلی و عادی
ندارد، بلکه به
صورت اتفافی در
یک جا جمع
شده‌اند.

ملازمه اتفافی

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- ملازمه بین **اجماع** و **وجود یک حجت** که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، **اتفاقی** است.

- تعبیر **حدس** که در اجماع حدسی می‌گویند، ناظر به همین نوع ملازمه است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- در مقابل گفته‌اند ملازمه بین **تواتر** و **صدق، عقلی** است؛

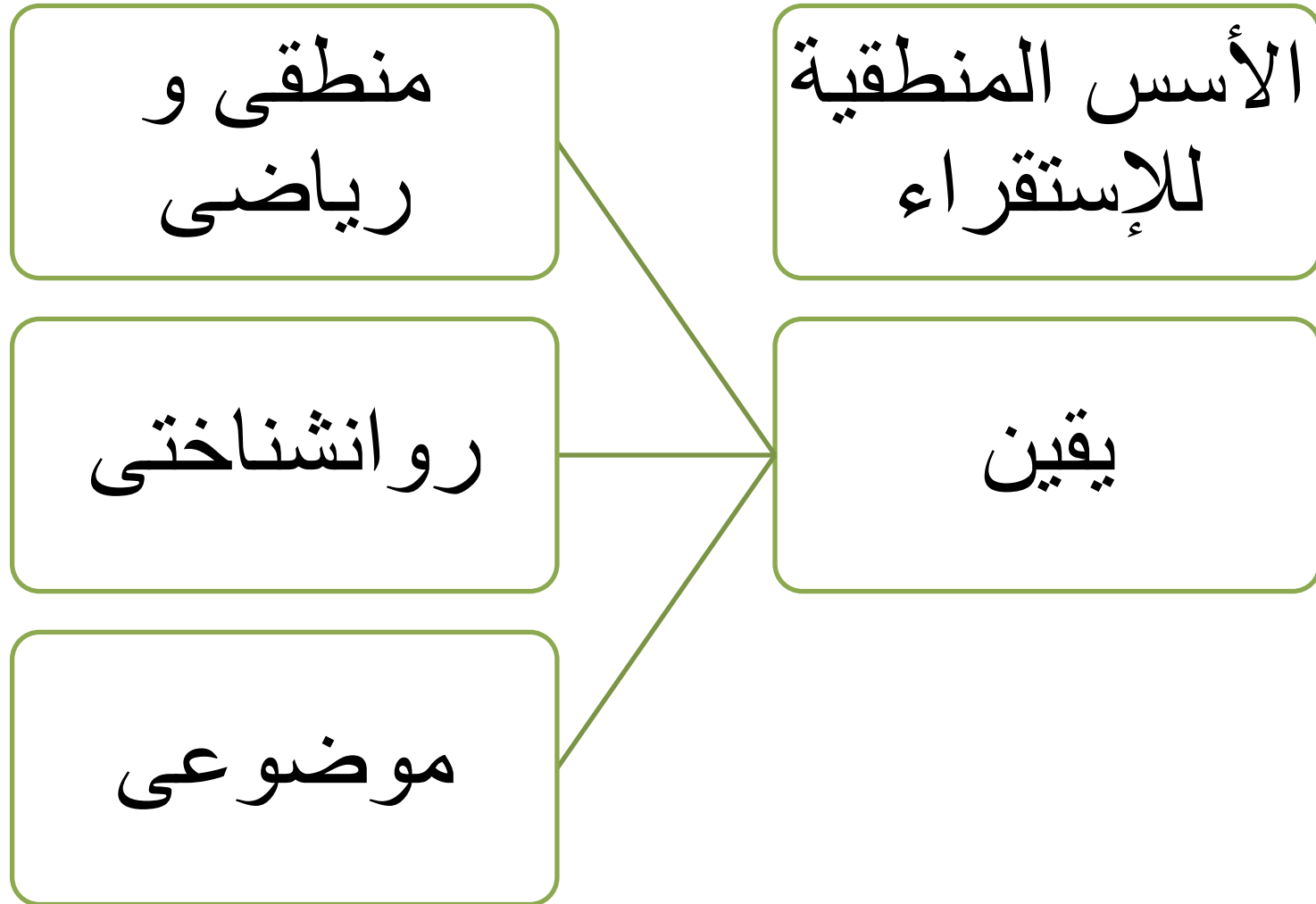
عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- بین **تواتر** و صدق ملازمه عقلی وجود ندارد
- معیاری که باعث حجیت **تواتر** می شود و **صدق** مطلب متواتر را از طریق آن کشف می کنیم، همان **حساب احتمالات** است که نوعی ملازمه **عادی** را به دنبال دارد.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع

- شهید صدر
- اجماع هم همین طور است
- ملازمه بین اجماع و وجود یک حجت که به لحاظ سند معتبر و به لحاظ دلالت واضح است، عادی و بر اساس حساب احتمالات است.

عادی بودن ملازمه در بحث اجماع



عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

1. میزان حدسی یا حسی بودن

2. مصب اجماع و تواتر

3. تأثیرپذیری ناقلین یا مجمعین از یکدیگر

4. تعداد عوامل خطا

تفاوت اجماع و تواتر
در بحث حجیت

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

الف. ساده یا پیچیده بودن مسأله

ب. فاصله زمانی فقیه با روزگار معصومین - علیهم السلام -

ج. میزان تخصص مجتهد

عوامل افزایش یا کاهش دخالت حس در فتوا

عوامل کاهش روند تجميع احتمالات در اجماع

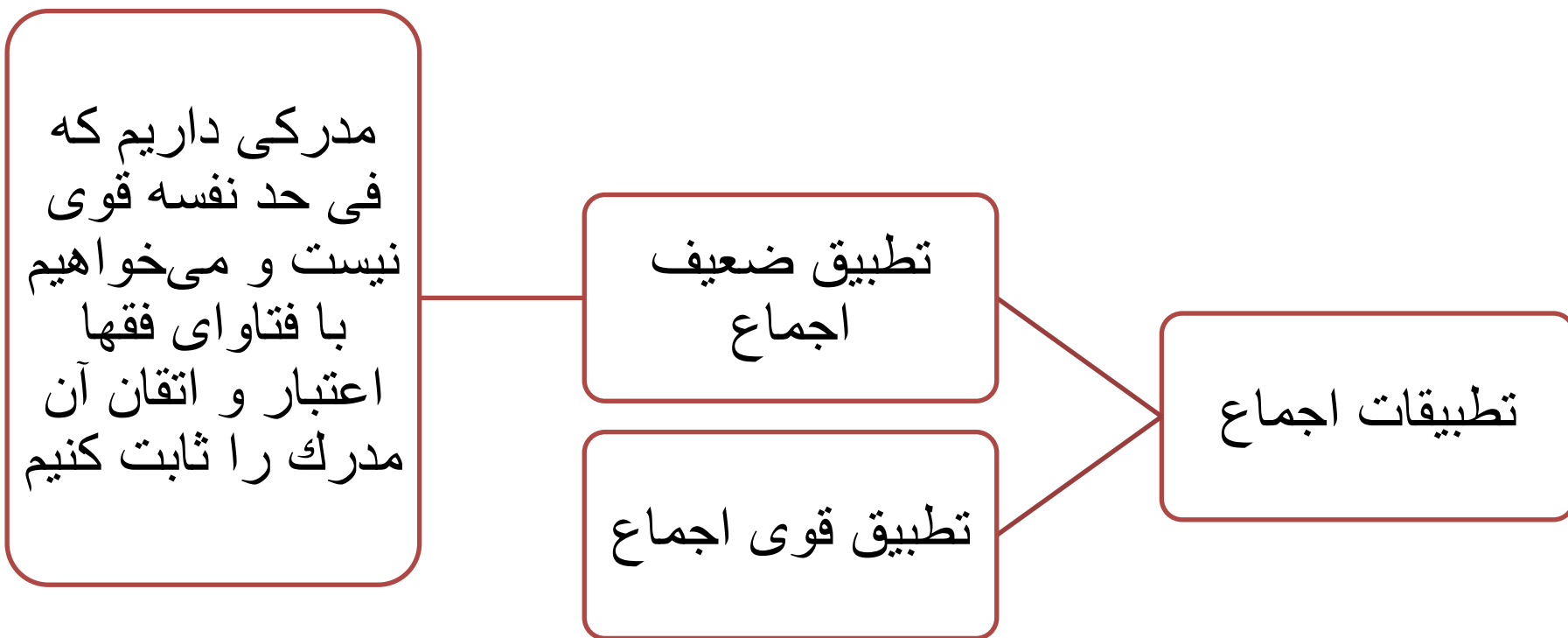
- عوامل افزایش یا کاهش ارزش احتمالی فتوا

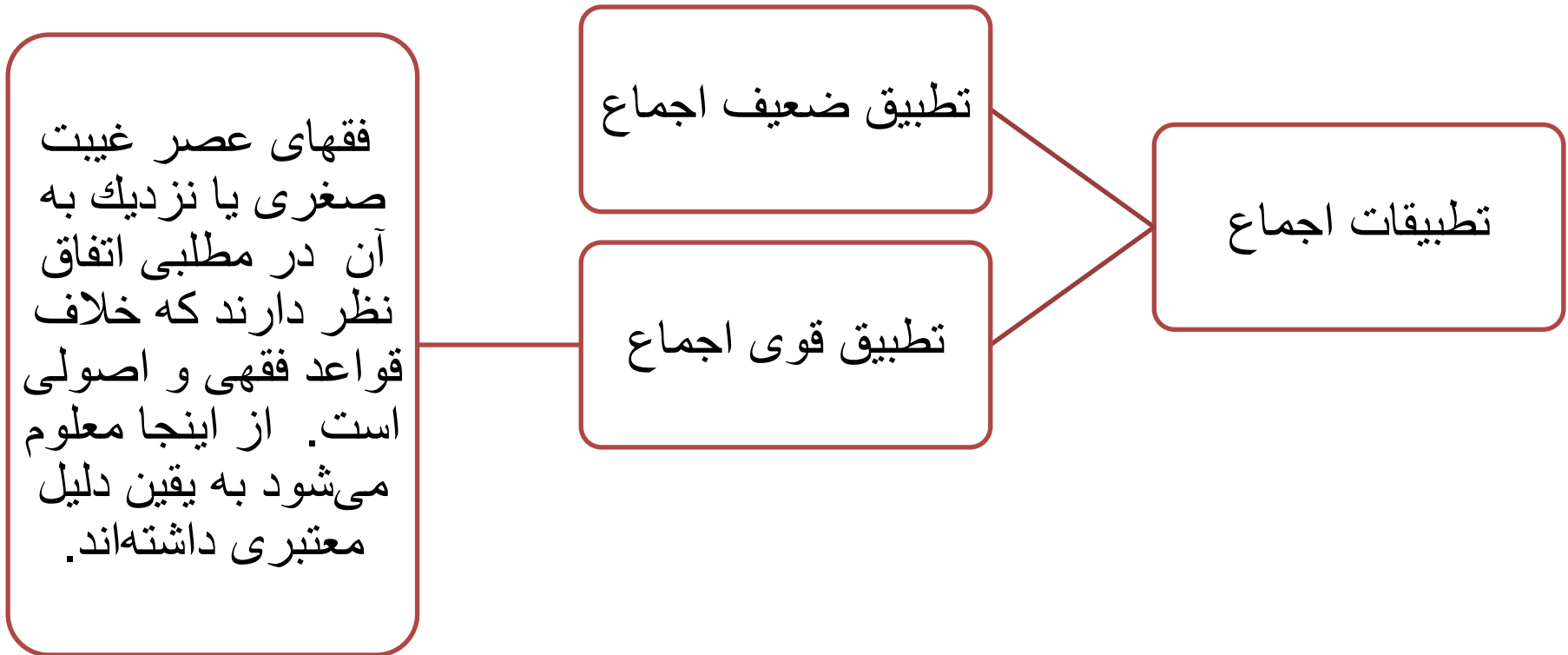
$$\text{ارزش احتمال مطابقت فتوا با واقع} = \frac{\text{میزان تخصص فقیه}}{\text{میزان احتیاج مسأله به قواعد اصولی و اجتهادی} \times \text{قرنی که فقیه در آن زیسته است}}$$

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى
اجماع

تطبيقات
اجماع





شبّهات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقها
از اهل البيت ع

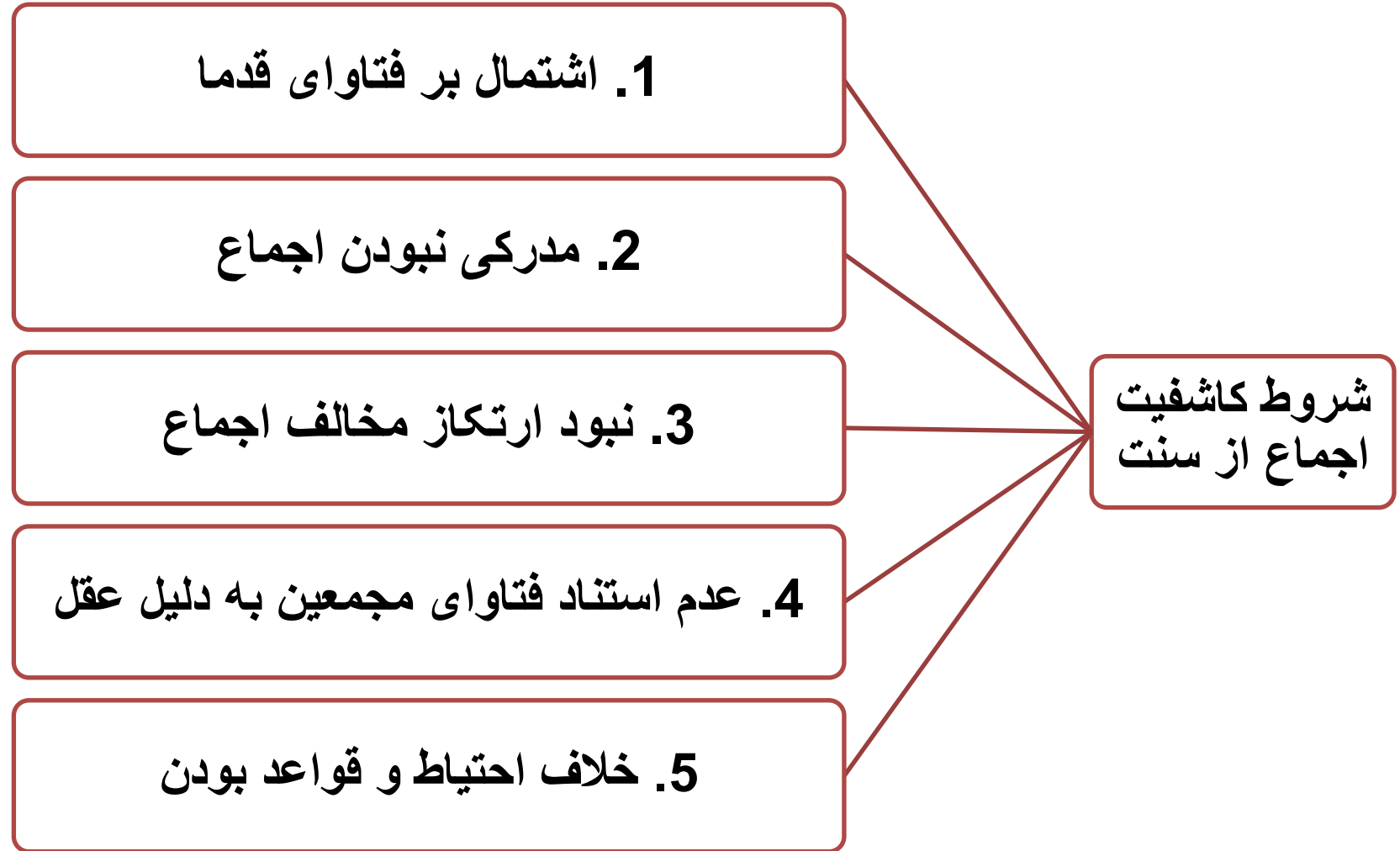
2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبّهات مطرح در
بحث اجماع

شروط کاشفیت اجماع از سنت



بسيط

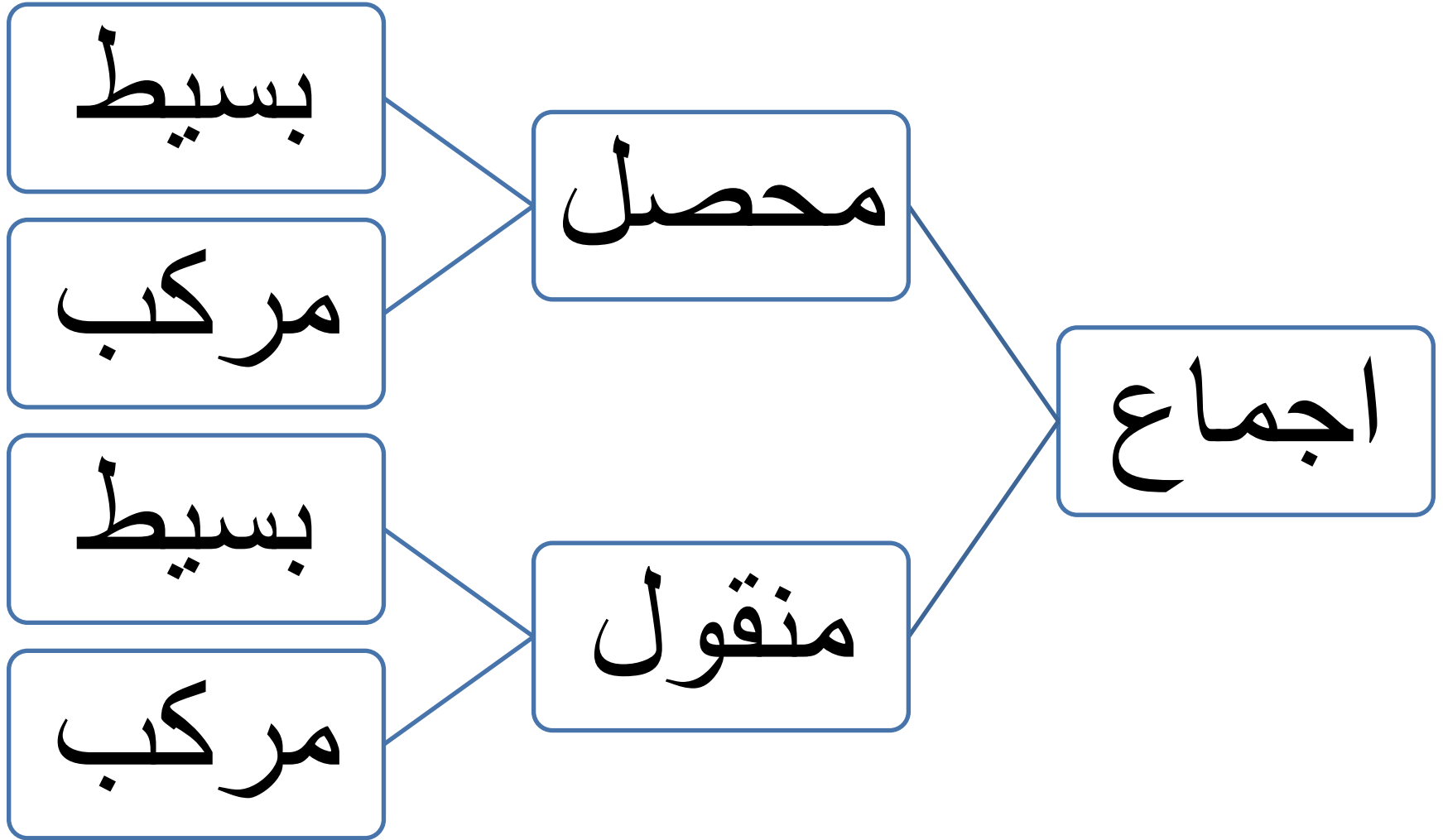
مركب

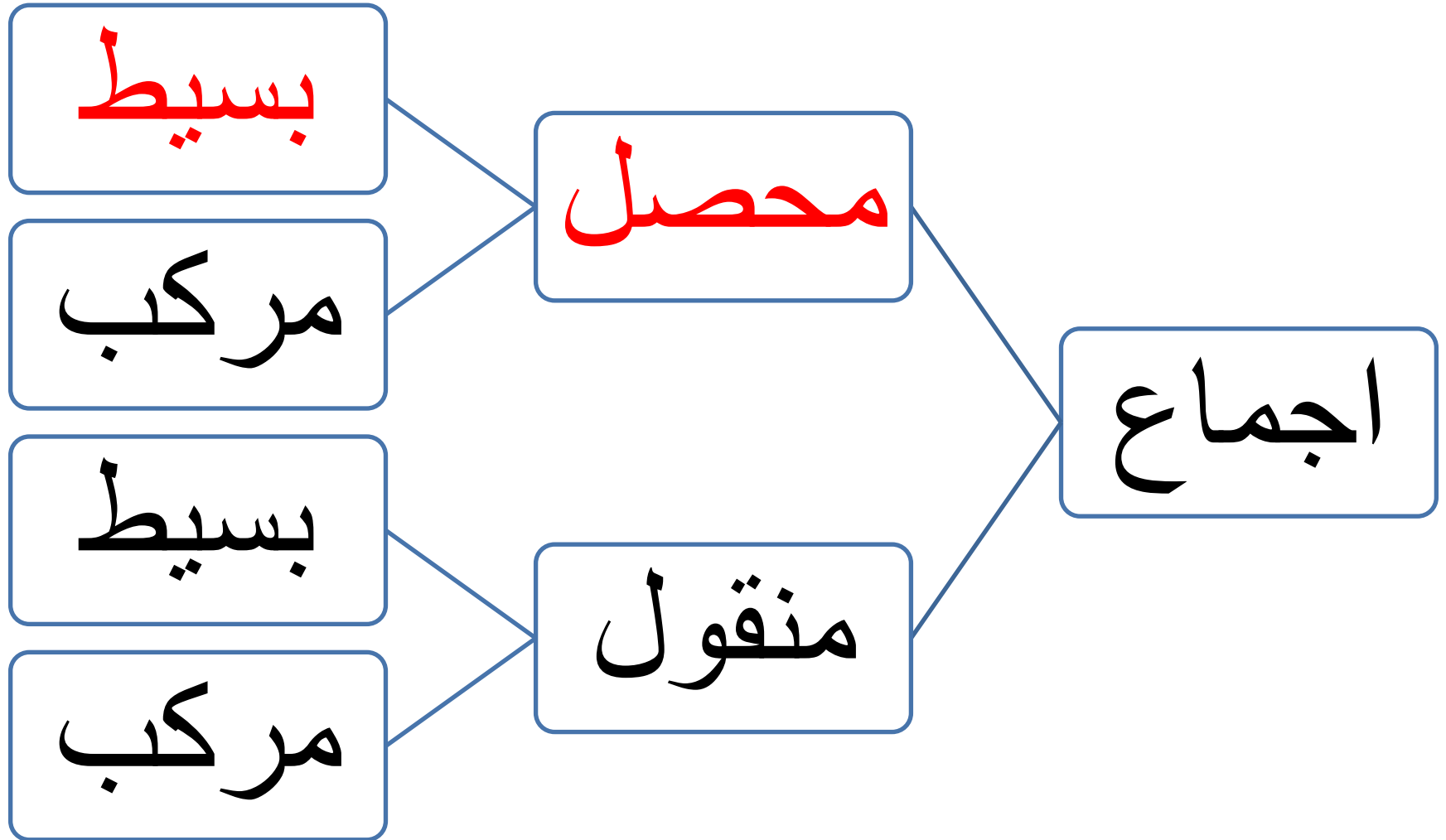
اجماع

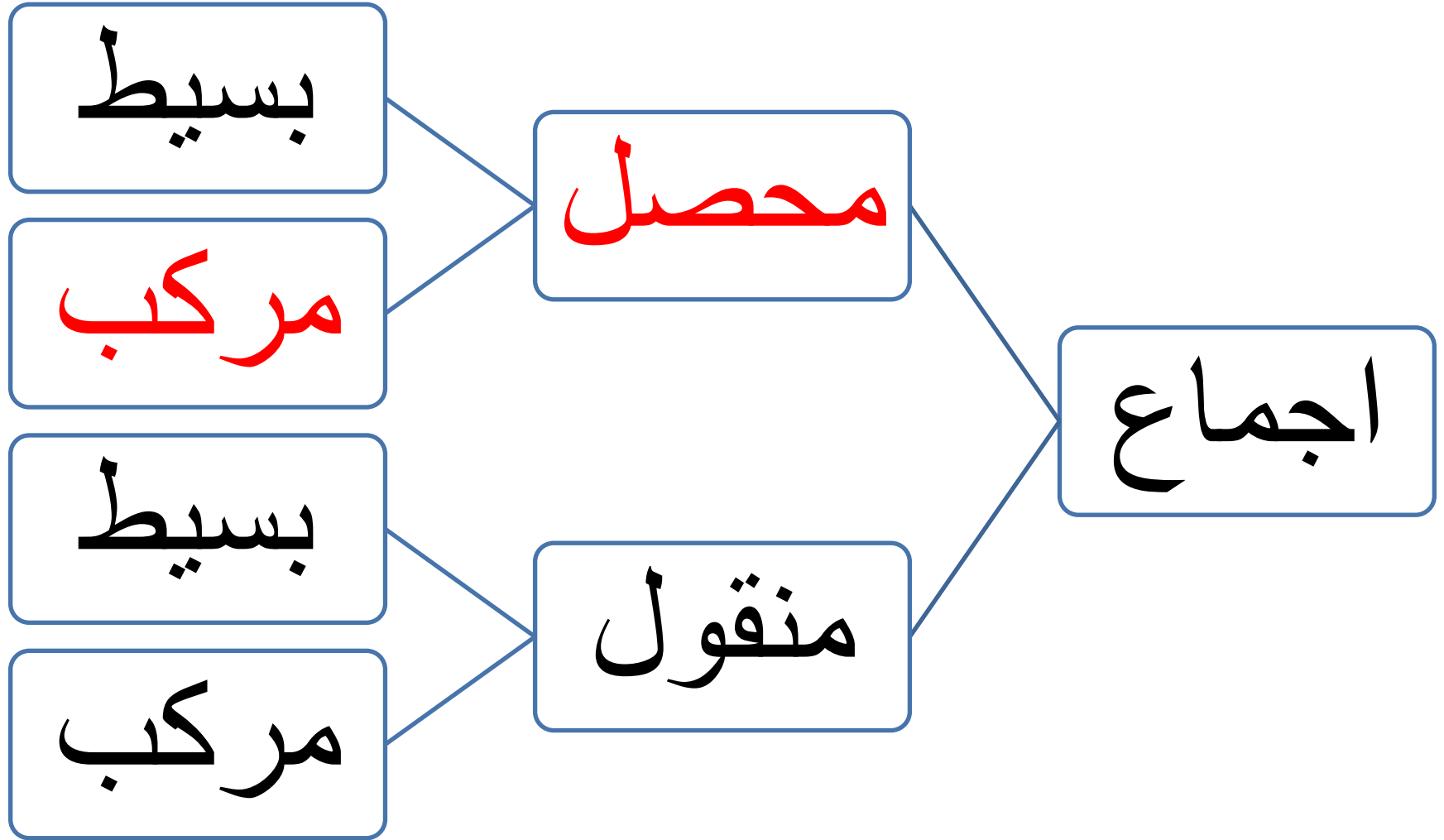
محصل

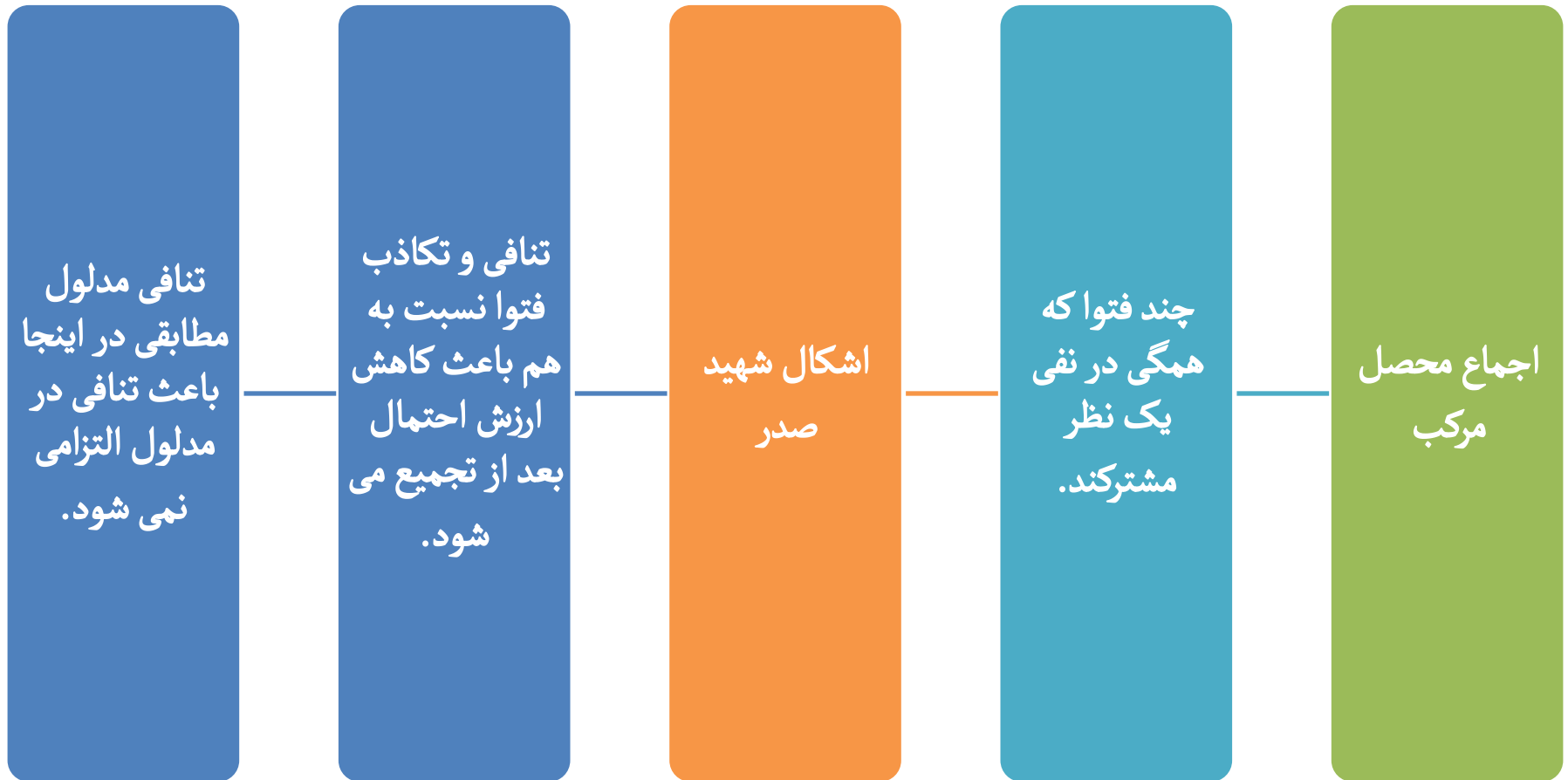
منقول

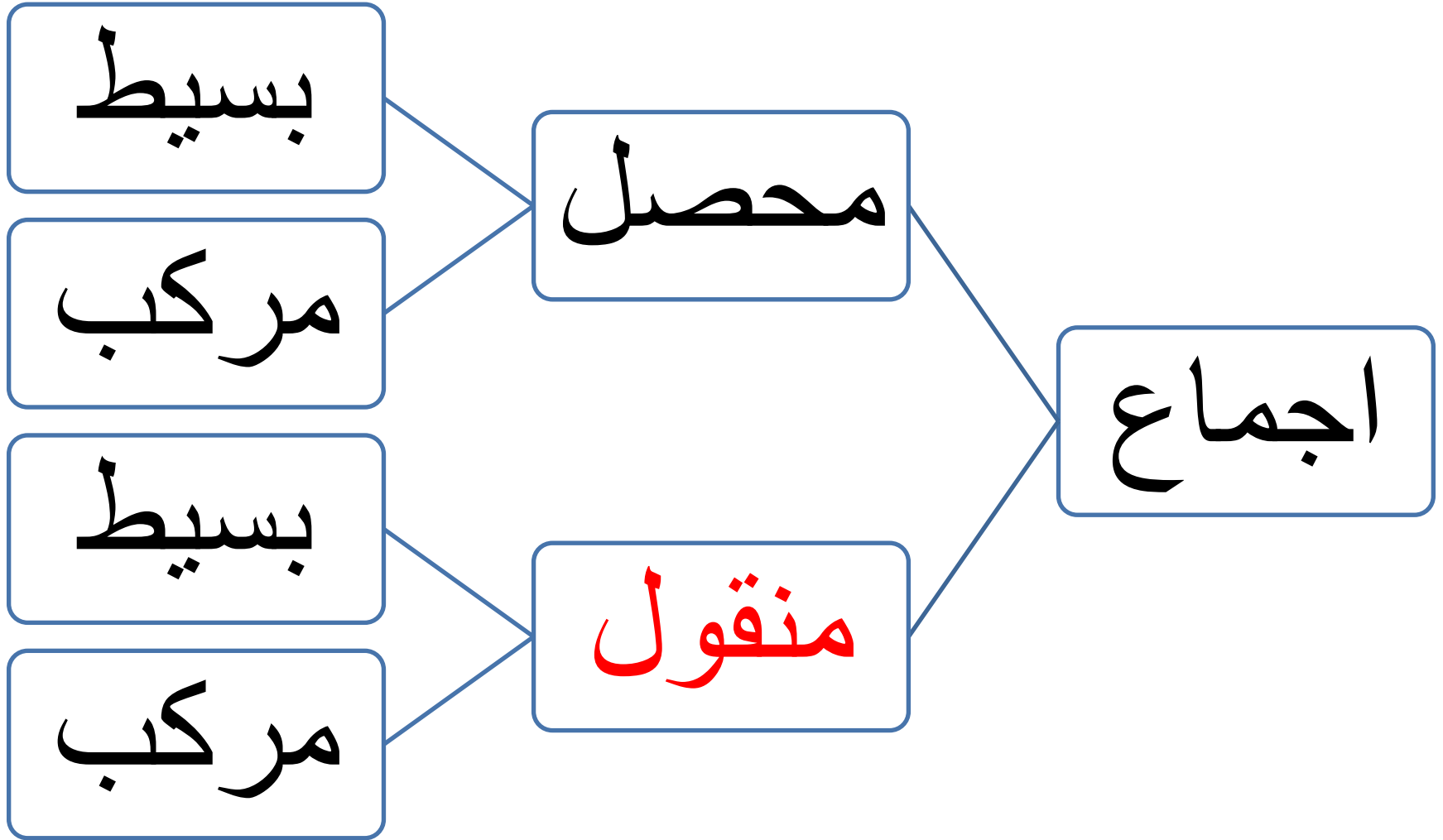
اجماع











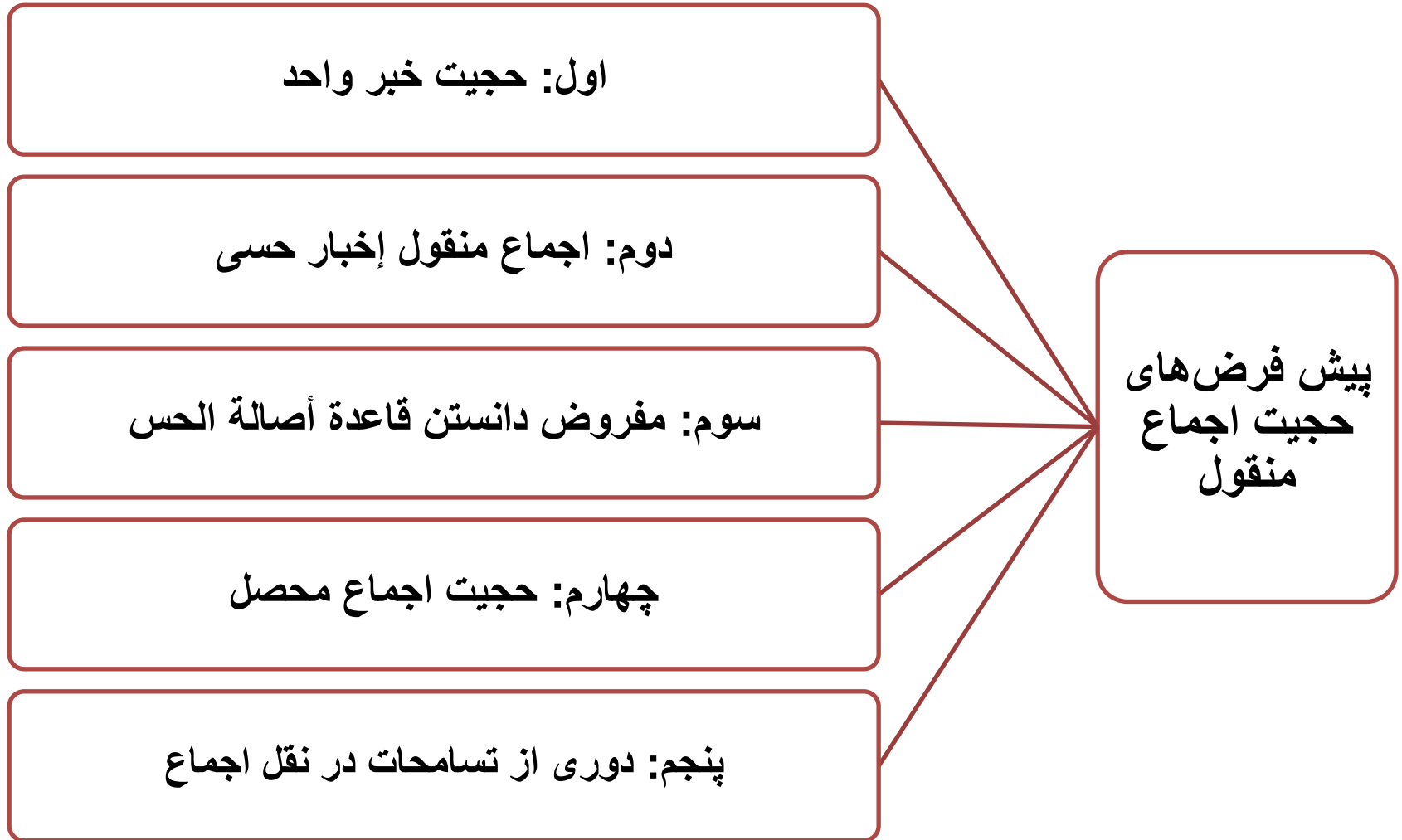
اجماع منقول

- اجماع منقول
- اجماع منقول یعنی ما خود فتاویٰ فقہا را به دست نیاورده‌ایم؛ ولی کسی که ادعای اجماع کرده است، فتاوا را به دست آورده و برای ما نقل کرده است. آیا این نوع اجماع حجت است؟

اجماع منقول

- پیش فرض‌های حجیت اجماع منقول
- در بحث اجماع منقول اموری را باید پیش فرض بگیریم و بعد بحث از حجیت آن را مطرح کنیم:

اجماع منقول



اجماع منقول

- اول: حجیت خبر واحد
- باید فرض کنیم، خبر واحد حجت است؛ چون این اجماع هم اخبار یک فرد از وقوع اجماع است.
- البته اجماع حکم شرعی نیست و اخبار از آن اخبار از یک موضوع است پس باید حجیت خبر واحد در موضوعات را نیز بپذیریم.

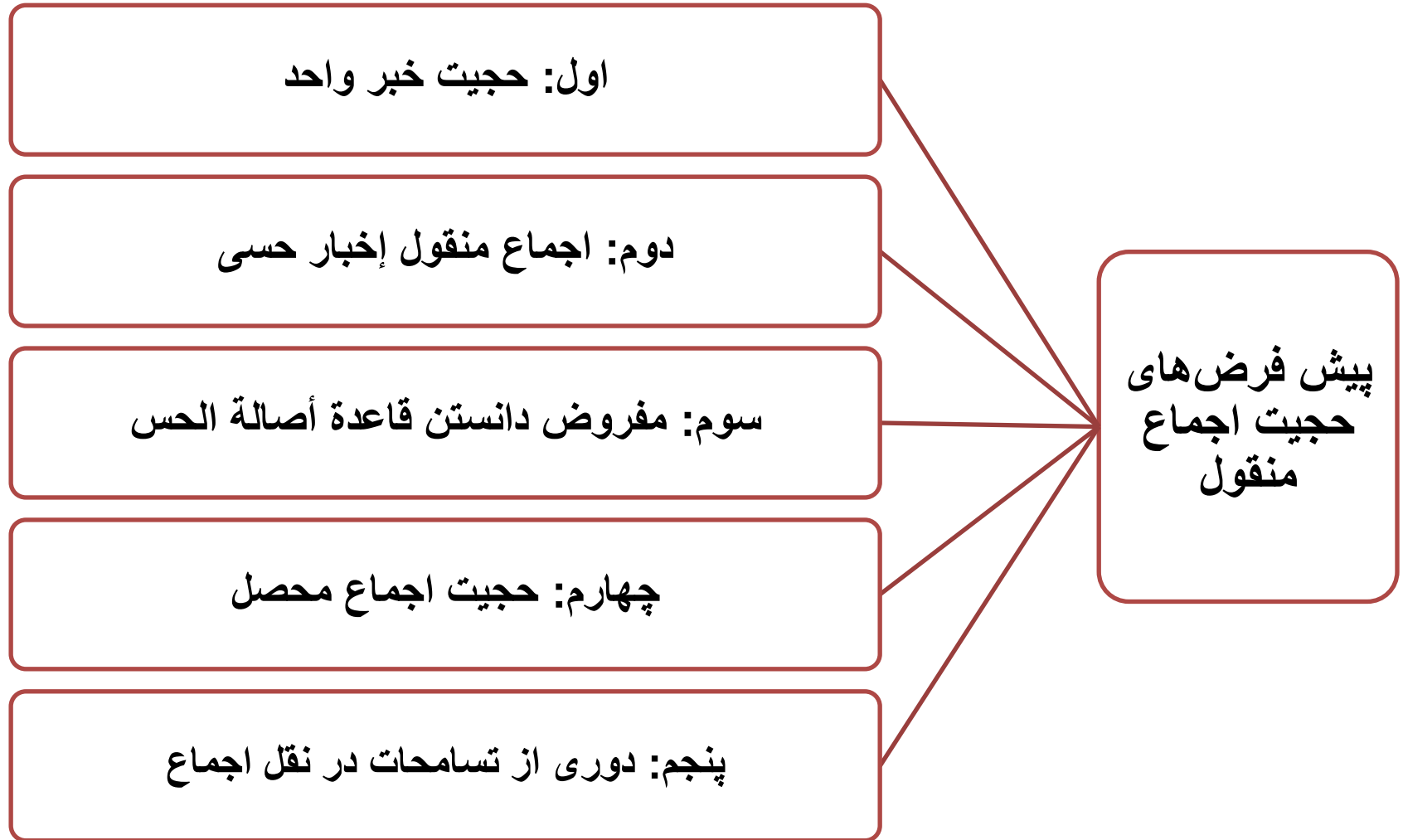
اجماع منقول



اجماع منقول

- اول: حجیت خبر واحد
- باید فرض کنیم، خبر واحد حجت است؛ چون این اجماع هم اخبار یک فرد از وقوع اجماع است.
- البته اجماع حکم شرعی نیست و اخبار از آن اخبار از یک موضوع است پس باید حجیت خبر واحد در موضوعات را نیز بپذیریم.
- مگر این که بگوییم چون نقل اجماع به واسطه نقل حکم است، پس به حجیت خبر واحد در موضوعات نیازی نیست.

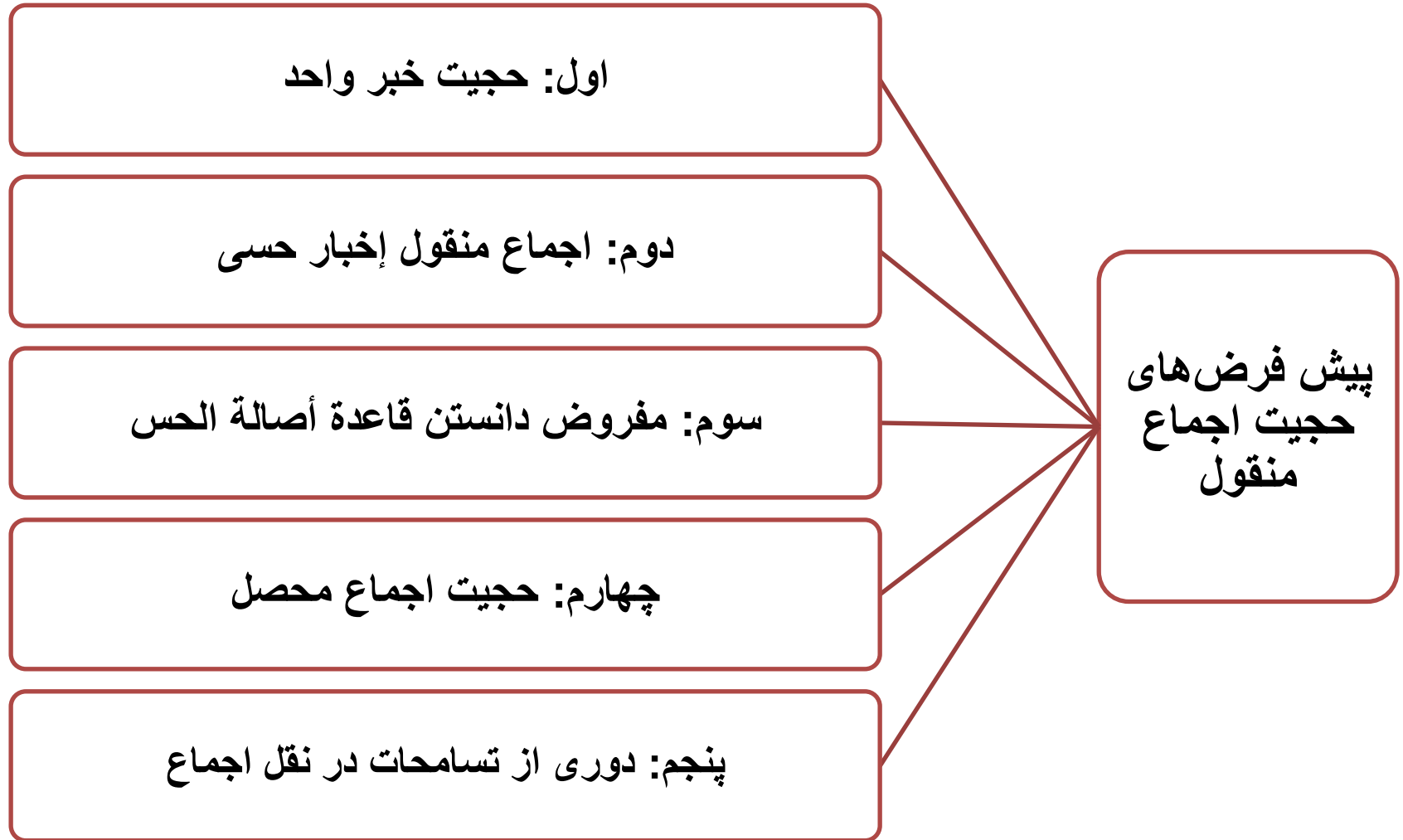
اجماع منقول



اجماع منقول

- دوم: اجماع منقول إخبار حسی
- در بحث حجیت خبر واحد می‌گوییم حجیت خبر واحد مربوط به إخبار حسی است؛ زیرا اگر کسی خبر دهد و مستند خبرش یک حدس و استنباط باشد، ادلة حجت خبر واحد شاملش نمی‌شود؛ مثلاً اگر کسی بگوید پدر شما با شما کار دارد، الآن به او زنگ بزن، شما می‌گویید از کجا می‌دانید؟ می‌گوید پدرتان به من زنگ زد و گفت با شما کار داشت؛ یعنی صدای پدرتان را از پشت گوشی شنیدم. در این صورت این خبری وی حجت است؛ اما اگر بگوید حدس می‌زنم که پدرت با شما کار دارد، خبرش حجیت ندارد.

اجماع منقول



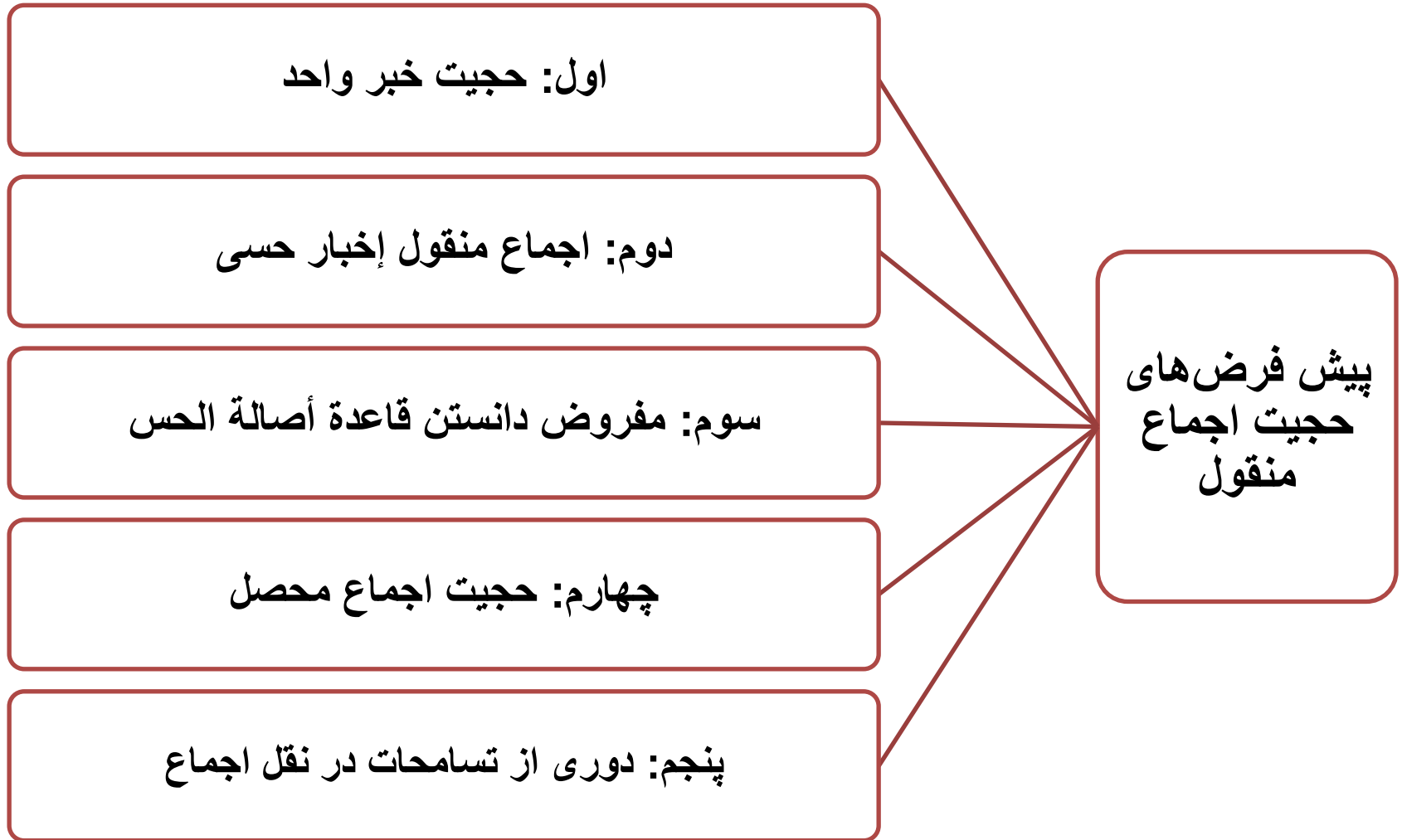
اجماع منقول

- سوم: مفروض دانستن قاعدة أصالة الحس
- وقتی کسی خبری می دهد، عقلاً اخبار او را حمل بر اخبار عن حس می کنند؛ مگر اینکه قرینه‌ای بر خلافش باشد. از این نکته عقلائی به أصالة الحس یاد می کنیم؛ برای مثال وقتی فردی به دیگری خبر دهد که پدرت با شما کار دارد. به او زنگ بزن، عقلاً حمل می کنند که مثلاً پدرش به مخبر زنگ زده یا کسی به نقل از پدرش به مخبر این مطلب را گفته است؛ یعنی خبر را بر خبری حسی حمل می کنند و احتمال حدسی بودن به ذهن عقلاً نمی آید و به آن اعتنا نمی کنند؛ مگر اینکه قرینه بر حدسی بودن وجود داشته باشد؛ مثل اینکه طرف پدر این فرد را نمی شناخته است تا بداند او پدر این آقا بوده است یا نه؟

اجماع منقول

- برای مثال ما در مورد شیخ طوسی - رضوان الله علیه - احتمال می‌دهیم که وی خود به آراء فقها مراجعه کرده باشد. در حقیقت أصالة الحس می‌گوید او تک تک آراء فقها را یا در کتاب‌هایشان دیده‌است یا به طور مستقیم از زبان‌شان دریافته‌است؛ بنابراین اگر شیخ - رضوان الله علیه - اجماع محصل خود را نقل کرد، از این جهت پیش‌فرض ورود به بحث در آن رعایت شده‌است و می‌توان پرسید آیا این اجماع حجت است یا نه؟

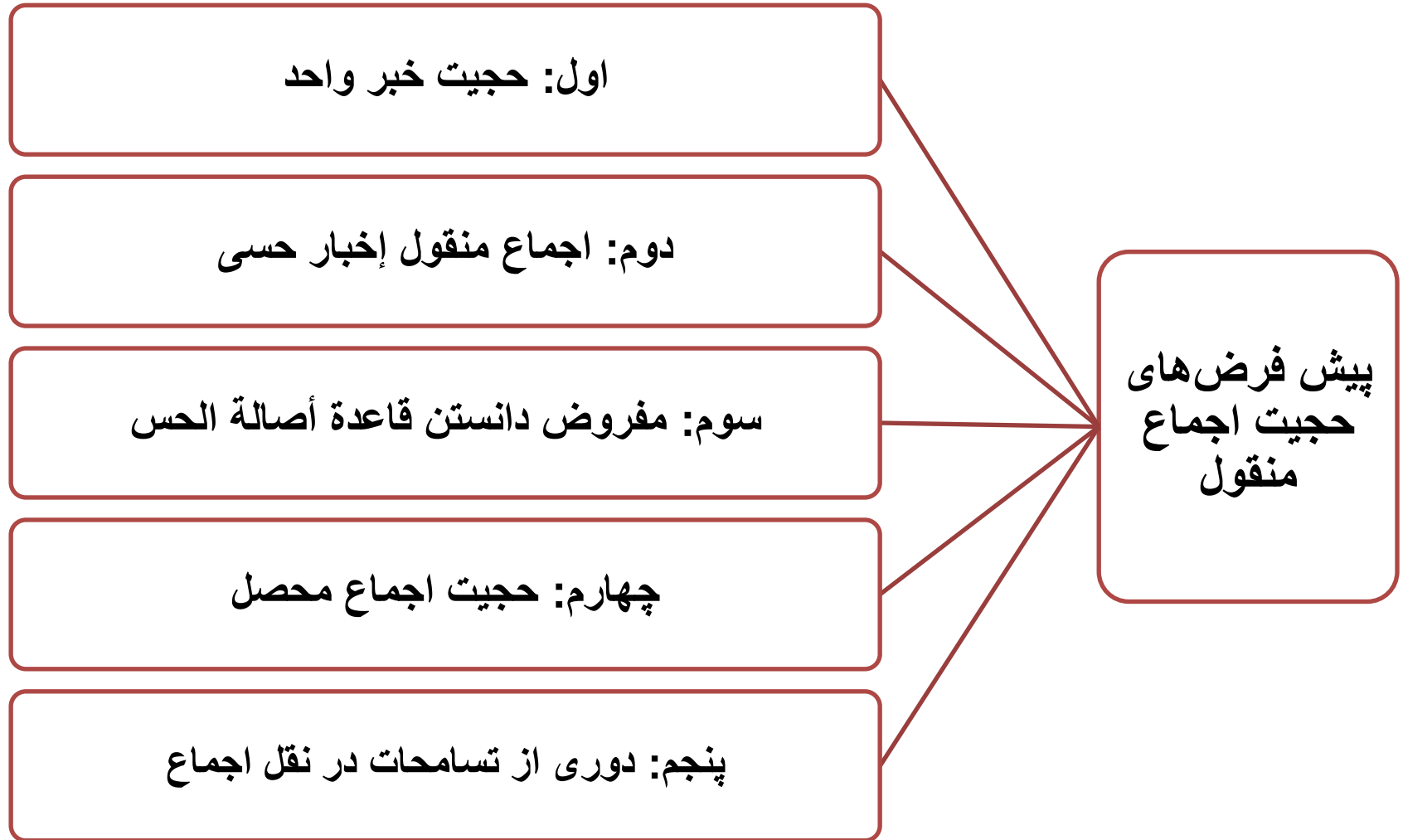
اجماع منقول



اجماع منقول

- چهارم: حجیت اجماع محصل
- اگر یک اجماع در فرض محصلش حجت نباشد، منقولش هم حجت نخواهد بود؛ مثلاً اگر گفتیم با اتفاق آراء متأخرین هیچ وقت نمی‌توان رأی معصوم - علیه السلام - را کشف کرد، در صورتی که این اتفاق نظر برای ما نقل شود، حجت نخواهد بود.

اجماع منقول



اجماع منقول

- پنجم: دوری از تسامحات در نقل اجماع
- بحث ما با قطع نظر از تسامحاتی است که در نقل اجماع وجود دارد؛ چنان که شیخ طوسی - رضوان الله علیه - می گوید حجیت خبر واحد اجماعی است و سید مرتضی - رضوان الله علیه - نیز می گوید خبر واحد به اجماع علما حجت نیست. هر دو شاگرد شیخ مفید - رضوان الله علیه - و هم زمان هستند. آنها چه مدرکی بر این اجماع‌های مخالف هم داشته‌اند؟ آیا واقعاً هر دو به آراء گذشتگان و معاصرین مراجعه کرده‌اند؟ به یقین این طور نبوده است؛ چون ممکن نیست دو اجماع مخالف و نقیض هم در مورد یک مطلب وجود داشته باشد. پس معلوم می‌شود تسامحی در ادعای اجماع این دو وجود دارد.

اجماع منقول

- شهید صدر - رضوان الله علیه - در انتهای بحث می فرمایند اگر تسامحات فقها در بحث اجماع نبود، اجماع با شرایطی که گفته شد می توانست حجت باشد؛ ولی فقها در بسیاری از موارد هنگام ادعای اجماع نوعی تسامح دارند.

اجماع منقول

- برای مثال فرض کنید بعضی از فقها فتوایی داده‌اند و این ناقل نظر این عده را دیده‌است؛ ولی از نظرات عده دیگر خبر ندارد که چه می‌گویند و چه بسا آن دیگران مخالف با نظر این عده باشند یا شاید ناقل اصلاً به رأی هیچ فقیهی مراجعه نکرده باشد. در هر دو حالت چون به نظرش این مطلب بسیار واضح بوده است، تصور کرده است علی القاعده دیگران هم همین را می‌گویند. به همین ادعای اجماع کرده است.

اجماع منقول

- از این علی القاعده‌ها در کلمات فقها هست. لا اقل احتمال علی القاعده بودن در بعضی موارد از کلمات فقها بر می آید؛ به خصوص در مواردی که ادعای اجماع اصلاً قابل توجیه نیست؛ مثل اینکه که سید مرتضی - رضوان الله علیه - بر عدم حجیت خبر واحد ادعای اجماع می کند و در مقابل شیخ طوسی - رضوان الله علیه - بر حجیتش ادعای اجماع می کند.

اجماع منقول

- پر واضح است که تحقق خارجی دو اجماع خلاف هم ممکن نیست. چه بسا این از موارد تسامح در ادعای اجماع باشد. یا شیخ طوسی - رضوان الله علیه - در خیلی از موارد ادعای اجماع کرده است؛ ولی با مراجعه به کتاب‌های فقهی و جستجو در آراء فقها، می‌بینیم هیچ یک از این اجماع‌ها صحیح به نظر نمی‌آیند یا سید مرتضی - رضوان الله علیه - در کتاب المسائل الناصریات در خیلی از موارد می‌گوید دلیل حکم اجماع، آیات و روایات است.

اجماع منقول

- شیخ طوسی - رضوان الله عليه - هم در خیلی از موارد اجماع را کنار آیات و روایات گذاشته است.

اجماع منقول

- در حقیقت این موارد از اجماع‌هایی نیست که یک دلیل واضحی نداشته باشد و ما احتمال وجود مستندی را در نزد مجمعین بدهیم که به ما نرسیده است؛ به تعبیری این اجماع مؤید سایر ادله است و دلیل مستقل نیست؛ یعنی واقعاً دلیل حکم مستفاد از همان آیات و روایات است.
- شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌فرمایند چون در نقل اجماعات تسامح هست، بنابراین معمولاً نمی‌توان یک اجماع منقول یافت که شرایط حجیت در آن تأمین شود.